

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها

فرستنده : جاوید

۰۴ جون ۲۰۲۴

دوستم

۱

در ایران چون به ضد ظلم شاهی
مجاهد ها زهر سو، دسته دسته
به دفع خصم آزادی مردم
کنون بیش از چهل شد سال از آنم
که من هم رهبر یک دسته بودم
سمندی تیز دو بد مرکب من
روان می شد میان کوی و بازار
اگر از پشت زین من تیر خورده
به سم، خاک زمین می داد بر باد
چو بر می خاستم از خاک زنده
وگر شب بخشی از اردوی شاهی
مرا با پوز خود می کرد بیدار
دو گوشش راست همچون شمع می شد
به وسعت چشم ها را باز می داشت
وگر جمعی زما از کوه یا داشت
به جنبش اسب من می داد از آنان
سخن فهم و جسور و مهربان بود
در این دعوی نه کذب است و نه اغراق
چنان در دوستی سنجیدم او را
به پا شد بیرق مشروطه خواهی
به زیر سرخ پرچم عهد بسته
مسلح آمدند اندر تهاجم
ولی چون روز پیش، آید به یادم
به راه خلق پیمان بسته بودم
که می داد او تمیز از دوست دشمن
به دنبال چو سگهای وفادار
نگون می افتادم مثل مرده
به دور من کسی را ره نمی داد
ز شادی شهبه زن، می کرد خنده
به ما نزدیک می شد در سیاهی
که دشمن بی خبر آمد، خبر دار!
چو شیری وقت حمله جمع می شد
نفس در سینه خود باز می داشت
وظیفه کرده اجرا باز می گشت
خبر، چون باد سنج از باد و باران
عزیز ما همه رزم آوران بود
که گویم بود بین اسب ها طاق
که نام «دوستم» بخشیدم او را

ادامه دارد